



مزون نوزا

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل مانتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴- میر مجیدی

☎ ۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
📷 nozhaa_collection 📷



یادداشت اول

درباره انتصابات دولت جدید

■ با مسوولیت سر دیر

جایجایی مدیران و تغییر آنها با تغییر دولتها امری عادی است اما شرایط حکمرانی و بازی قدرت در گلستان شکل و شمایل خاص خود را داراست و در فقدان احزاب و گروههای سیاسی و حضور پررنگ لابی های منفعت طلب در پشت پرده در کنار ناتوانی مدیران ارشد استان در سامان دادن به نوعی از بازی که بتوانند در نهایت نتیجه را به نفع خود به پایان برسانند شاهد آن هستیم که بخش زیادی از مدیران دولت سابق هم چنان در جایگاه خود مستقرند و با گذر زمان و وجود شرایط تازه عملا نمی توان امیلی به تغییر داشت. انتخاب مدیران شایسته همراه با دولت چنانچه به زودی اتفاق نیفتد اندک امید برای تغییر نیز از دست خواهد رفت و همان اندک سرمایه اجتماعی که با تلاش بسیار برخی دلسوزان و فعالان سیاسی در ستادهای پزشکيان به دست آمده بود از دست خواهد رفت و کار برای اداره امور صعب تر و سخت تر از آنچه که هست خواهد شد. نکته تلخ تر و عجیب تر در انتصابات در گلستان فقدان راهبردی معین در استانداری و مدیریت ارشد استان در مسیر انتصابات است، در حالی که انتظار می رفت مدیران ارشد تصمیم گیر با طرح ساختاری عملگرایانه بتوانند در یک بازی حرفه ای در چرخه قدرت مدعیان منفعت محور را حاشیه نشین کنند اما با فقدان برنامه ریزی و دقت عمل تسلیم فشارهای این سو و آن سو شده اند و شوربختانه برخلاف آنچه ادعا می شد همین انتصابات معدود بیش از وفاداران به پزشکيان، ستادهای رقیب را خوشحال کرد و باز بر خلاف آنچه گفته می شد قدرت نمایندگان مجلس بر مدیران استانی چربیده است. نکته اساسی آنکه باید برای حضور در میدان های بزرگ اندوخته های بسیار در انبان داشت، با دست خالی و کیسه تهی نمی توان به میدانی رفت که گرگان درنده مترصد یورش به بره های بی پناهند، آنگونه که جناب سعیدی در گلستان می فرماید:

یا مرو با یار ازرق پیرهن

یا بکش بر خان و مان انگشت نیل

دوستی با پیلبانان یا نکن

یا بنا کن خانه ای در خورد پیل

اگر خانه اتان را درخورد پیلان

مهیّا نکرده بودید چه اصراری

برای تصلّب مناصب داشتید؟

ورود ۳۴ هزار تن کالای غیرنفتی
با ارزش ۸۹ میلیون دلار



عروس خزر
چشم انتظار ناجی



نگاهی به فیلم شهر خاموش
از زبان شترمرغ ها



۲



۳



۴

گلشن

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ سه شنبه ۱۹ فروردین ماه ۱۴۰۴/ سال بیست و ششم/ شماره ۸/ صفحه ۲۵۰۰ تومان



چرا نوغانداری گلستان یک فرصت
طلایی است؟

« ۸ »



ترکمن صحرا، پیشتاز انرژی خورشیدی
شمال کشور

« ۷ »



نقد فیلم فسیل
شمایل کامل بی هدفی

« ۵ »

مادر مهربان

طبیعت

ادامه تیتراژ اول

مادر مهربان طبیعت



چون معتقدند که این جنس زیاله‌ها در طبیعت تجزیه می‌شوند. بله درست است که چنین زیاله‌هایی در طبیعت تجزیه می‌شوند اما تا زمانی که تجزیه شوند، آیا ظاهر ناخوشایندی به طبیعت نمی‌دهند؟! خوب است همیشه کیسه زیاله‌ای را در ماشین یا همراه خود داشته باشید تا مبدا ناچار نشوید آن را بیرون بیندازید. باید تک تک ما به اهمیت رهاکردن زیاله در طبیعت پی ببریم. بنده به عنوان یک خادم کوچک طبیعت و پژوهشگر با سابقه آب و خاک و دوستدار محیط زیست از شما می‌خواهم در سال ۱۴۰۴ به قدر توان و میلان هر جا که زیاله‌ای دیدید جمع کنید و در سطل زیاله بیندازید. می‌دانید فایده این کار چیست؟ علاوه بر آنکه محیط زیست را تمیز کرده‌اید، به دیگران فرهنگ پاکسازی و تمیز نگه‌داشتن محیط زیست را یادآوری می‌کنید. برای بقای خودمان، آیندگان و موجودات زنده از محیط زیست مراقبت کنیم. مهم‌ترین و اولین قدم برای حفاظت از محیط زیست این است که بفهمیم فقط یک کره زمین قابل سکونت در بین میلیاردها کهکشان داریم و این کره زمین فقط به ما انسان‌ها تعلق ندارد و متعلق به تمام موجودات زنده انسانی و گیاهی و جانوری است. اگر ما مراقب موجودات زنده و محیط زیست باشیم، در واقع به فکر سلامت خودمان و آیندگانمان بوده‌ایم. پس یادمان باشد قدم اول آموزش و آگاهی است و بعد قدم‌های کوچک‌برداشتن مثل بیرون نیاانداختن زیاله، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، عدم استفاده از پلاستیک و... است. فرزندان ما اگر اهمیت درختان را بدانند می‌فهمند کاغذ دارای چه ارزشی است؟ جامعه ما اگر به اهمیت محیط زیست و منابع طبیعی آگاه باشد دیگر با تبر وارد جنگل نمی‌شود و صدای اره برقی را نخواهیم شنید. باید این را بپذیریم که هر زیاله، یک گناه است بدین مفهوم که با هر زیاله که رها می‌سازیم گناهی مرتکب می‌شویم. گناهانمان را در کوه و جنگل و دشت و دمن می‌ریزیم. در کوچه و خیابان و جوی و رودخانه گناهانمان را ناآگاهانه تکتیر می‌کنیم و به صورت مادرمان طبیعت و زمین مشّت و لگد می‌کوبیم به بخشندگی و شریک خاموش خودمان خاک و به مهربانی آب. در حقیقت خودمان دوزخ را می‌سازیم. سیزدهم فروردین، روز گناهان کبیره ما ایرانیان بود با جاگذاری انبوه زیاله در طبیعت. اما وظیفه ما در سال جدید این خواهد بود که گناهی را از زمین برداریم. به قول مولانا: تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید تو یکی نه ای هزاری تو چراغ خود برافروز

پژوهشگر بین المللی آب و خاک
و دوستدار محیط زیست

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفترست معرفت کردگار
بیایید در سال جدید عهد ببندیم وقتی که با خانواده و دوستان به طبیعت و جنگل می‌رویم و لذت می‌بریم سعی کنیم ردی در طبیعت به جای نگذاریم. فراموش نکنیم که طبیعت به ما نیاز ندارد، بلکه این ماییم که به آب پاک و خاک سالم که زیست بنیان های طبیعت می‌باشند نیاز داریم. اکنون جامعه ما پر است از افرادی که وقتی به طبیعت زیبا وارد می‌شوند به به و چه‌چه می‌کنند و لذت می‌برند ولی وقتی طبیعت را ترک می‌کنند زیاله‌ها را در محیط زیست رها می‌کنند. بعضی از مردم فکر می‌کنند که زیاله را در طبیعت و جنگل و یا بیابان دور می‌اندازند اما در واقع بیرونی وجود ندارد و هر چه هست کره زمینی است که درون آن نفس می‌کشیم و راه می‌رویم و زندگی می‌کنیم. بعضی از افراد زیاله‌هایی مثل ظروف پلاستیکی خود را در طبیعت رها نمی‌کنند اما زیاله‌های تر خود را بیرون می‌اندازند

آیا خود من مبادرت به جاگذاری پسماند در طبیعت می‌کنم یا اینکه خود من چقدر در پاکسازی طبیعت و در کارزارهای مردمی جمع آوری زیاله از طبیعت مشارکت می‌کنم؟ قبل از هر چیز خودمان پایبند به قوانین طبیعت باشیم و آن را به مثابه منزل خود بدانیم و هر عمل زشتی را که در خانه خود انجام نمی‌دهیم نظیر انداختن پوست میوه و یا ته سیگار روی فرش همان عمل را هم به طبیعت روا نداریم. بیایید به طبیعت احترام بگذاریم زیرا با این کار به خودمان احترام گذاشته ایم چرا که ما هم‌جزیی از این طبیعت هستیم. باید با درختان و طبیعت و حیات وحش و پرندگان دوست باشیم نه دشمن، سپاسگزار باشیم و نه ناسپاس، ما که مصرف‌کننده از منابع حیاتی زمین تنها سیاره قابل حیات در منظومه شمسی هستیم، از زمین و زمان طلب کار نباشیم حتی از درخت و طبیعت، و در طبیعت سپاسگزاری را بیاموزیم به قول استاد سخن سعدی شیرازی:

محمد اسماعیل اسدی- طبیعت، بسان مادری مهربان انسان را در دامن خود می‌پروراند و سخاوتمندانه، همه منابع و داراییها و سرمایه های خود را به پای او می‌ریزد. تاکنون همه موجودات روی زمین به عنوان عضوی کوچک از این مجموعه کوشیده اند تا به قانون و نظام طبیعت پیرامون خود گردن نهند و خود را با آن سازگار کنند، اما انسان، خواسته و ناخواسته، روند طبیعی محیط زیست خود را دگرگون کرده است. هر روز درختان بسیاری با قساوت، قلع و قمع می‌شوند و به زغال و هیزم تبدیل شده و سوخته میشود. جنگل های طبیعی از میان می‌روند، بسیاری از گونه های زیستی در حال انقراض هستند و صدها گونه به علت از دست دادن زیستگاه های خود، نابود شده اند و برخی از دانشمندان صحبت از انقراض ششم می‌نمایند. بعد از گردش و پیک نیک انسانها در طبیعت و جنگلها انبوه زیاله ها و پسماندهاست که از انسان بر جای می‌ماند و نمونه بارز آن را در روز سیزده بدر سال جاری در جنگلهای هیرکانی به وضوح خبرگزاریها همراه با تصاویر زشت منعکس کردند، گویی جنگل و طبیعت دارای شهرداری و رفتگر است تا این پسماندهای انسانی را که می‌توان به آن پسماندهای ذهنهای فقیر لقب داد جمع آوری نمایند. متأسفانه، آدمی بر خلاف دیگر موجودات، همواره تأثیر عمیقی در جهت نابودی و تهدید محیط زیست از خود بر جای گذاشته است، چنان که اکنون، از مهم ترین عوامل تخریب محیط زیست شناخته می‌شود. در جهان هستی سه مؤلفه وجود دارد: گیاهان، جانوران و انسانها. اما مسئله بسیار مهم این است که گیاهان و جانوران بدون انسان ها هم می‌توانند به زندگی خود ادامه دهند ولی انسانها بدون این‌ها نمی‌توانند دوام بیاورند. برخی افراد نا آگاه دست دوستی درختان را که به سوی آنان دراز شده را به جای فشردن قطع می‌کنند و سر عناد با طبیعت را دارند حتی ممکن است شاخه‌ای را هم بشکنند و بسوزانند و یا یک لگدی هم به یک درختی بزنند، در طبیعت باید این درس مهم را بیاموزیم که هر عملی که در طبیعت انجام دهیم به خودمان بازمی‌گردد، حتی اگر یک فیلتر سیگار یا پس مانلی یا آشغالی را از زمین برداریم. به قول معروف: هرچه کنی به خود کنی گر همه نیک و بد کنی. **Whatever you do, you do to yourself, if you do everything good and bad** بیایید با آغاز سال جدید با خود عهد ببندیم که ملت فزوراردی نباشیم و بیهوده و بدون راستی آزمایشی مبادرت به فزورارد کردن هر پیامی ننماییم. اگر کلیپی از پسماندهای زشت انسانی در طبیعت و جنگل پخش می‌کنیم از خودمان بپرسیم که نقش من چیست و

ورود ۳۴ هزار تن کالای غیرنفتی با ارزش ۸۹ میلیون دلار



و پروفیل آهنی، پنیر، میله‌های آهنی، پلی‌استایرن، خوراک آبزیان، پسته فندقی، پلی‌اتیلن و نئوپان را ۱۰ کالای اصلی صادراتی این استان در سال ۱۴۰۳ معرفی کرد و افزود: ارزش هر کیلوگرم کالای صادراتی به طور متوسط ۰.۶ دلار بوده است.

سال گذشته خبر داده بود و اعلام کرد: ارزش این صادرات به ۴۶۳ میلیون دلار بوده است. شهریاری افزود: این میزان صادرات از نظر وزنی ۳۲ درصد و از نظر ارزش دلاری ۴۲ درصد نسبت به سال ۱۴۰۲ رشد داشته است. مدیرکل گمرکات گلستان اضافه کرد: این کالاها به ۲۹ کشور در قاره‌های آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکا صادر شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ترکمنستان، قزاقستان، عراق، ازبکستان، پاکستان، افغانستان، روسیه، ترکیه، ایتالیا، هند و امارات اشاره کرد. وی گفت: ترکمنستان با ۱۶۱ میلیون و ۲۲۸ هزار دلار (۳۴.۸۳ درصد) و قزاقستان با ۱۴۹ میلیون و ۳۴۵ هزار دلار (۳۲.۲۶ درصد) در صدر مقاصد صادراتی گلستان قرار دارند. شهریارى همچنین پسته خندان، ید، لوله

انگلستان، لوکزامبورگ، هند، ایتالیا، کانادا، قزاقستان، آلمان، امارات و برخی دیگر کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی از مهمترین کشورهای مبدا واردات کالاهای غیرنفتی به گمرکات گلستان بوده‌اند. مدیرکل گمرکات گلستان همچنین گفت: چین با بیش از ۲۴ میلیون دلار و ترکیه با حجم کالای افزون بر ۲۰ میلیون دلار در صدر کشورهای صادر کننده کالاهای غیرنفتی به گمرک گلستان در سال گذشته قرار دارند. به گفته شهریارى، دیزل ژنراتور و روغن خام پایه نیز از برترین کالاهای وارداتی به کشور از گمرکات گلستان بوده است. این مقام مسوول همچنین ۹ فروردین امسال هم در گزارشی از صادرات حدود ۷۱۹ هزار و ۳۰۸ تن کالای غیرنفتی از مبادی گمرکی گلستان در

غزاله صیدانلو- مدیرکل گمرکات گلستان اعلام کرد: سال گذشته، حدود ۳۴ هزار تن انواع کالای غیرنفتی از طریق مبادی گمرکی این استان، از جمله مرز اینچه‌برون، وارد شد که ارزش این کالاهای وارداتی بالغ بر ۸۹ میلیون دلار برآورد می‌شود. شهریار شهریارى افزود: مبدا کالاهای وارداتی به این استان ۲۴ کشور آسیایی، اروپایی و آفریقایی بوده است. وی اضافه کرد: دیزل ژنراتور، روغن خام سويا، قسمتی از خط تولید دستگاه تزریق پریفرم، روغن پایه معدنی، بخشی از دستگاه پلیمراسیون (راکتور)، قسمتی از تجهیزات کامل گلخانه و انواع پارچه جین، ساده و متقال از جمله کالاهای وارد شده به گمرکات گلستان در سال گذشته بوده است. شهریارى ادامه داد: چین، ترکیه، ترکمنستان،



تهدید اتمی!



سیدصادق حقیقت

علی لاریجانی، مشاور رهبری، برای نخستین بار در عمر ۴۶ ساله ج.ا.ا- در فروردین ۱۴۰۴- آمریکا را تهدید

اتمی کرد: «حمله به تأسیسات هسته ای ایران به سود آمریکایی ها نیست، در این صورت، مجبور می شویم به سمت دیگری حرکت کنیم و داشتن سلاح هسته ای توجیه ثانویه پیدا می کند». البته، قبلاً علوی، وزیر سابق اطلاعات در دولت روحانی، گفته بود اگر گریه در کنار اتاق گرفتار شود، هر کاری ممکن است انجام دهد. البته، دولت وقت سخن وی را تأیید نکرد و اعلام کرد نظر شخصی وی بوده است! رفیق دوست نیز اخیراً به این مسئله اشاره کرده که در جنگ تحمیلی، امام خمینی ساخت سلاحهای اتمی را اجازه ندادند، ولی با ساخت و استفاده سلاحهای میکربی و شیمیایی مشکلی نداشتند. به هر روی، در خصوص این رویداد مهم، نکات ذیل می تواند مد نظر قرار گیرد:

۱- ایران در شرایط مذاکره- که اینک مجبور است به آن تن دهد- کارتهای بازی خود را از دست داده، و چاره ای جز بازی با کارتهای جدید ندارد: احتمالاً حدود ۳۶۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده بالاتر از ۶۰ درصد، معادل شش بمب اتم. ۲- لاریجانی در توجیه فتوای اتمی چنین مدعی شده است: «فتوای رهبری نداشتن سلاح هسته ای است. اگر خطایی از آمریکا صورت بگیرد، ایران با فشار مردم مجبور می شود به سمت رفتن ساخت سلاح هسته ای برود». معنای این سخن آن است که در سطح رهبری، مسئله تغییر نکرده، و اینک فشار مردم موجب تغییر سیاست فوق شده است. باید گفت این توجیه چندان منطقی نیست، و نه مصرف داخلی می تواند داشته باشد، نه مصرف خارجی.

۳- حل مسئله فتوای اتمی، ناگزیر، باید در حوزه تخصصی فقه و توسط علمای عظام صورت پذیرد. «توجیه ثانویه» نشان می دهد شاید مسئله عنوان ثانوی پیدا کرده باشد، نه این که فشار مردم در کار باشد. ۴- واکنش توثیقتری وزیر ارشاد کار را کمی سخت تر کرد: «فتوای رهبری در تحریم سلاح هسته ای، مبتنی بر اصول مینا و لایتغیر دینی است و نه فروع قابل تغییر اجتهادی و یا تابع متغیرات زمانه و شرایط ثانوی». به نظر می رسد لاریجانی با هماهنگی سخنان فوق را اظهار کرده باشد؛ علاوه بر آن که تحریم سلاح هسته ای حکمی ابدی و لایتغیر نیست. ۵- از نظر فقهی، شاید بتوان بین ساخت، انبار و استفاده از این گونه سلاحها تمایز قائل شد. استفاده از این سلاحها چون ممکن است آثار غیرقابل کنترلی داشته باشد، از نظر فقهی مشکل پیدا می کند، اما معلوم نیست استفاده محدود نیز همان حکم را داشته باشد. مهم آن است که اساساً ساخت و انبار سلاحهای هسته ای برای بازدارندگی- و نه استفاده- است، و ضرورتاً تالی فاسد فوق را به همراه نخواهد داشت. ۶- قبلاً کسانی، مثل محمد مؤمن، گفته بودند تفاوتی بین سلاح های متعارف و غیرمتعارف، حتی شیمیایی (و اتمی)، وجود ندارد و همه آنها مشمول «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» هستند. ۷- ابطلحی، در این بین، هشدار داده که: «سیاسیون برای فتوای رهبری در مورد سلاح اتمی عنوان ثانویه درست

نکنند. این کار بازی در زمین دشمنان است». شاید وی به «پرچم غلط» اشاره داشته باشد. به اعتقاد زیادآبادی نیز، «آنچه این روزها علی لاریجانی مطرح کرده و شماری دیگر از حرف او استقبال کرده اند، حرکت در جهت افتادن به چاهی است که اسرائیلی ها پیش پای ایران کنده اند!». ۸- حسین شریعتمداری در واکنش به علی لاریجانی نوشت: «سال ۸۶، در یکی از یادداشتهای کیهان اشاره داشتیم که فشار غرب ممکن است برخی از مسئولان را به سوی گزینه تولید سلاح هسته ای ببرد. همان روز آقای لاریجانی (دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی) تماس گرفت و با لحنی نیمه مزاح و نیمه جدی گفت: مثل این که شما کمی یا قسمتی ... دارید؟! پرسیدم چرا؟! گفت: یادداشت امروزت بهانه به دست دشمن می دهد! ... اما، پریشب، همین آقای لاریجانی در برنامه گفت و گوی ویژه رسانه ملی گفت: «اگر آمریکا یا اسرائیل دست به تهدید اتمی ایران بزنند، ایران هم مجبور خواهد شد به سمت تولید بمب اتمی برود!». در مجموع، تهدید اتمی از نظر استراتژیک بسیار خطرناک به نظر می رسد؛ و از یک سو، نیاز به توجیه فقهی دارد، و از سوی دیگر، توجیه جامعه شناختی در سطح ملی و بین المللی را می طلبد. ظاهراً توجیه داخلی هم برای جناح اصلاح طلب نیاز است، هم برای جناح اصولگرا!

استاد علوم سیاسی

عروس خزر چشم انتظار ناجی



گروگان را در کانون توجه قرار داد و درخواست همکاری همه جانبه مدیران اجرایی دو استان گلستان و مازندران را برای اجرای طرح های کارشناسی شدت بخشید.

نظر کارشناسان و مسوولان

قدیر حسن زاده، سرپرست اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان، با تأکید بر اینکه احیای خلیج در اولویت است، اظهار کرد: لایروبی کانال آشوراده انجام شده و مطالبه بعدی ما، پمپاژ آب از دریا به خلیج است که در دستور کار جدی استان قرار دارد. وی معتقد است: اگر این پروژه طی یک تا دو سال آینده عملیاتی شود، مشکلات خلیج مرتفع شده و از خطر خشکی نجات خواهد یافت. حسن زاده از صدور مجوزهای لازم برای پمپاژ خبر داد و افزود: اجرای این طرح بسیاری از موانع را برطرف می کند. پیش از لایروبی، شوری آب به حدی رسیده بود که می توانست حیات جانداران را نابود کرده و خلیج را به بحرالمیت بدل کند، اما پس از بازگشایی کانال، شوری به طور چشمگیری کاهش یافت. معاون محیط زیست طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست

گلستان، وضعیت خلیج را تشریح کرد و گفت: این پهنه در بهترین شرایط ۵۱ هزار هکتار وسعت داشت، اما با تغییر اقلیم و کاهش تراز آب کاسپین، اکنون به ۳۰ هزار هکتار رسیده است. وحید خیرآبادی ادامه داد: پیش از لایروبی در شهریور ۱۴۰۲، مساحت به ۲۴ هزار هکتار افت کرده بود، اما پس از بازگشایی کانال در آذر همان سال، به ۳۰ هزار هکتار بازگشت. وی کاهش شوری آب را از دستاوردهای لایروبی دانست و افزود: شوری آب پیش از لایروبی به ۵۰ گرم در لیتر رسیده بود که پس از آن به ۲۲ تا ۲۳ گرم در لیتر کاهش یافت. خیرآبادی هشدار داد: اگر کانال آشوراده لایروبی نمی شد، خلیج تا سال ۱۴۰۷ کاملاً خشک می شد. اکنون تنها مسیر ارتباطی خلیج با دریا همین کانال است. وی دو رویکرد را پیش روی سازمان محیط زیست دانست: در رویکرد اول، خشکی خلیج با پسروری کاسپین ادامه می یابد تا به تراز منفی ۲۹ برسد؛ در این صورت، ارتباط با دریا قطع شده و خلیج طی پنج سال به شوره زاری ۵۱ هزار هکتاری بدل می شود که گلستان را مستعد ریزگرد خواهد کرد. رویکرد دوم، اجرای کامل طرح جامع احیاست که شامل تأمین حق آبه، آبخیزداری و پمپاژ آب است. عضو هیات علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گروگان هم با اشاره به طرح احیا در سال ۱۳۹۶ گفت: در آن زمان، مسوولان اقدامات را به دو بخش ضربتی و بلندمدت تقسیم کردند. لایروبی کانال آشوراده به عنوان اقدام ضربتی مؤثر بود و اگر انجام نمی شد، خلیج طی سه تا چهار سال خشک می شد و به شوره زاری شبیه تالاب گمیشان بدل می گشت. سعید شربتی افزود: با بازگشایی کانال، ۵۰ تا ۶۰ سانتی متر آب از دریا وارد خلیج شد و اکنون تراز خلیج با دریا همگام است، اما تعویض آب مورد غفلت قرار گرفت. خلیج یک حوضه تبخیری است و بدون تعویض آب، شوری افزایش می یابد. شربتی پیش بینی کرد: در سناریوی بدبینانه، خلیج تا سال ۱۴۱۲ خشک می شود، مگر اینکه گرمایش زمین متوقف شود که بعید است. بهترین راه، سازگاری با تغییر اقلیم است، نه مبارزه بی نتیجه با آن. وی پیشنهاد داد: باید با پوشش گیاهی و درختکاری، این پهنه را به اکوسیستم جدیدی تبدیل کنیم تا تهدید به فرصت بدل شود.

شود. کارشناسان، وضعیت کنونی خلیج را مأیوس کننده می دانند و تأکید دارند که آسیب های پسروری آب در گلستان با استان های گیلان و مازندران قابل قیاس نیست. چه در زمان پیشروی آب دریای کاسپین در گذشته و چه در شرایط کنونی با پسروری مداوم، این گلستان است که بیشترین لطمه را می بیند. در سال های اخیر با لایروبی کانال آشوراده تلاش شد تا سرعت نابودی این پهنه کاهش یابد، اما این اقدام تنها یکی از ۱۵ راهکار اساسی طرح جامع احیاست. اگر دیگر قطعات این پازل به درستی چیده نشوند، تصویر زیبایی از خلیج گروگان شکل نخواهد گرفت و شاید پسروری کاسپین، حکم نهایی خشکی آن را امضا کند. با این حال، این به معنای بی عملی و رها کردن خلیج به حال خود نیست. نیاز به برنامه های هماهنگ و فرماندهی برای مدیریت رژیم آبی دریای کاسپین و خلیج گروگان بیش از همیشه احساس می شود. مقامات گلستان از طولانی شدن فرایند احیا ابراز نگرانی کرده و معتقدند تأخیر در اجرای طرح های باقی مانده، حتی دستاوردهای فعلی را به خطر می اندازد. خبر خشک شدن ۱۵ هزار هکتار از ۴۵ هزار هکتار تالاب میانکاله، که به تازگی توسط استاندار مازندران اعلام شد، بار دیگر بحران خلیج

نگاهی به فیلم شهر خاموش

از زبان شتر مرغ‌ها



علی درزی - دبیر صفحه

بصری نویسنده را به لحاظ آوردن و بردن خبر، و چرخاندن اطلاعات هم دچار مشکل می‌کند، در فیلم یک عامل خارجی به نام برادران ابی را داریم که هر سه متجاوز همین را بهانه‌ی ترساندن بمانی قرار می‌دهند. اطلاعات به ساده‌انگارانه‌ترین شکل ممکن در قالب دیالوگ بین کاراکترها رد و بدل می‌شود، بدون هیچ سلیقه‌ای در آرایش و پیرایش اطلاعات. و جالب اینجاست، کارگردان انتظار دارد مخاطب جان مطلب دست پاک کردن بمانی (مانند: نگاه کردن چیگور به کفش هایش) بعد از هر قتل که انجام می‌دهد، پارچه سفیدی که بر سر می‌اندازد، جرثقیل و دستگاه پرس اتوماتیکی (بدون راننده) که جنازه‌ها را له می‌کند، تفنگ چوبی را که با خود حمل می‌کند و ... را پوست و گوشش درک کند. مخاطب موظف به درک و فهم هر گره نامکشوفی که در ذهن کارگردان می‌گذرد نیست. نباید بر این منوال باشد که هر چه را خواست در چشم مخاطب فرو کند و هر چه را نخواست در پیچیده‌ترین لایه‌های زیرمتنی فیلم پنهان کند. وقتی کار به اینجا می‌رسد، فیلم نه تنها هیچ زیرمتنی نخواهد داشت بلکه، یقیناً متنی هم از همان اول در کار نبوده. رابطه کارگردان و مخاطب در سینمای حال حاضر را می‌توان نوعی رابطه شترمرغی دانست. (شتر را مخاطب خاص، مرغ را مخاطب عام در نظر بگیرید.) آنجایی که محل جولان هنری خودشان است، از مخاطب انتظار دارند در حد یک نایفه (شتر) درک نشانه‌ها را به دوش بکشد و آنجایی که نقطه ضعف فیلم خودشان محسوب می‌شود آن را گردن احتمال پایین بودن ضریب هوشی مخاطب عام (مرغ) می‌اندازند. فیلم‌های ساخته شده با این محوریت کار را به جایی رسانده که باید گفت: لطفاً نشان نده! قصد ندارم مثل گزارشگر با سابقه و با سواد صدا و سیما که میهمان ثابت تمام برنامه‌هاست، دلفک بازی دربیایم و مدام از ترکیب‌های متناقض در مقدم به کار ببرم ولی، این یک تناقض را از من بپذیرید. قابلیت اصلی هنر هفتم به واسطه دوربین، تکنیک کات و بعدها پخش صدای هماهنگ شده با تصویر، توانست یک اثر متفاوت از شش گونه قبلی‌اش را ایجاد کند. با اینکه سینما به دوربین زنده‌ست و دوربین هم برای به نمایش درآوردن ساخته شده ولی کاش! ای کاش بعضی از دوستان متوجه بشوند که: سینما نشان دادن نیست!

بین آبی و بمانی عشقی پنهان بوده تا جایی که اسمش روی بازویش خال‌کوبی شده.

و اما خود فیلم:

فیلم سیاه‌وسفید است. چرا؟ برای اینکه کارگردان که از قضا نویسنده فیلمنامه هم هست، به شعور و فهم بیننده اعتقاد چندانی ندارد و قصد دارد یکایک نکات را به چشم مخاطبش فرو کند. ایران را خاکستری سر گرفته و آقای بیننده! شما هم حواستان باشد اگر این فیلم سیاه و سفیده، به این خاطر است که زندگی ما سیاه است. دوربین روی ماشین‌ها، تایرها، رینگ، شاسی و بدنه‌های اسقاطی می‌ماند، صبر می‌کند تا بازگیران وارد کادرش شوند. نود درصد سکانس‌ها به این روش فیلمبرداری شدند که شما این قراضه‌گی دنیای اطرافتان را در فیلم با چشم و جان و قلب و کلیه و طحال‌تان لمس کنید!! به نظرم کارگردان مخاطبش را کوری بینا فرض کرده. از مکث بیجا و حوصله سربر روی فضای قبرستان ماشین‌ها که بگذریم قصه اصلی داستان چیست؟ بمانی قرار است در این جهان سه‌نفره نگهبان، مهندس و ابی برای به دست آوردن بچه‌اش هر کاری بکند. هرکاری چیست؟ هر کاری در این دنیای زنگ زده‌ی اسقاطی یقیناً چیزی جز ارضای امیال کثیف مردان نیست. پس داستان فیلم‌مان چه شد؟ داستان بر این قرار شد که: بمانی برای اینکه ردی از بچه‌ش پیدا کند حاضر است با هر سه مرد جهان قصه‌ی ما بماند. جهان قصه را هم همان اول گفتم، ایران است. ایرانی اسقاطی با سطح تسترونی در حد هونکا. هیچ‌کس مخالفتی با حقوق پایمال شده‌ی زنان ندارد، هیچ آدم عاقلی تبعیض جنسیتی بین زنان و مردان در جهان (جهان جهانی)، نه جهان فیلم) را انکار نمی‌کند ولی، ... ولی اینکه شما از پاسخ به طرح سوال برسید، به لحاظ داستان یک فاجعه خواهید نوشت.

به قول بزرگی:

تا در فیلمنامه خودتان به مشکل نخورید و حلش نکنید، یقیناً مخاطب هم به چالش کشیده نخواهد شد. نمی‌توانیم مروراید را پر شالمان مخفی کنیم و برای یافتن مروراید به اعماق اقیانوس برویم! نمی‌توان بدون ترس از مرگ واقعی، بازی مرگ و زندگی را تجربه کرد.

با شکم سیر نمی‌شود درد گرسنه‌ها را نوشت. لوکیشن محدود در فیلم‌ها علاوه بر یکنواختی

البته حالت دیگری هم وجود دارد، به نام نشان ندادن. شاید با خودتان بگویید سینما یعنی نگفتن و نشان دادن، پس نشان ندادن چه صیغه‌ای است؟ برای نوع نشان ندادن، نظراتان را به سکانس پایانی قبل از تصادف فیلم جایی برای پیرمردها نیست، جلب می‌کنم. جایی که چیگور، قاتل خونسرد و کاریزماتیک سینما با بازی خاویر باردی از در خانه نامزد لوولین ماس با بازی جاش برولین خارج می‌شود. آیا چیگور نامزد ماس را کشته؟ تمام شواهد فیلم نشان می‌دهد که کشته، اما چرا کشتنش را نشان نمی‌دهد؟

اینجاست که برادران کوئن به جای نشان دادن چگونگی قتل، از کاشتی که در فیلمنامه انجام داده‌اند، بهره می‌برند و به بیننده پاسخ می‌دهند. (اگر متوجه این سکانس نشدید پیشنهاد می‌کنم حتماً فیلم را دوباره ببینید!) پس این نشان دادن‌ها و ندادن‌ها بسته به قصه و هنر کارگردان به جان اثر می‌نشیند. نشان دادن جزئیات از اژه شدن اعضا تا انبار شدن اعضای سنگین مثله شده‌ی قربانیان توسط هونکا قاتل سریالی دهه هفتاد آلمان، از الزامات فیلم دستکش طلایی بود. شاید بیننده چشم‌هایش را ببندد یا منجر شود، ولی جهان و روایت فیلم همین است، بدون تعارف همین‌قدر خشن. چرا؟ چون هونکا وجود داشته و همین واقعی بودن قصه، اصل فاجعه است. از آن طرف بریده شدن سر همسر کارآگاه میلز بسیار هنرمندانه حذف می‌شود تا از عنصر غافلگیری و اصل همذات‌پنداری سر صحنه با کارآگاه میلز جوان را داشته باشیم. جایی دیگر نشان ندادن، جایی دیگر به قتل رسیدن کودکی معصوم در آغوش یک بیمار مبتلا به صرع در قلدراز و ... همه و همه این مثال‌ها به ازای جهان فیلم‌شان کارکرد دارند. با این توضیحات و بیان سه تکنیک: حذف، نشان دادن، نشان ندادن (برداشت کاشته‌ها) می‌خواهیم فیلم شهر خاموش را بررسی کنیم.

داستان فیلم:

بمانی به جرم قتل شوهرش که ثابت نشده، بعد از ده سال آزادی مشروط می‌گیرد، آزاد می‌شود. او به قبرستان ماشین‌ها، محل کار ابی (برادر شوهرش) می‌آید تا از پسری که در زندان به دنیا آورده (پارسا)، خبری پیدا کند. داستان به نظر جذاب می‌آید وقتی می‌فهمیم

بعضی فیلم‌ها با شروع نفس گیر یا بهتر است بگویم نفس‌پر شروع می‌شوند. اگر فیلم دستکش طلایی فاتح آکین را دیده باشید می‌توانید منظوم از نفس‌پر بودن را متوجه شوید. یا بعضی از فیلم‌ها هم فقط و فقط با یک سکانس نفس‌تان را بند می‌آورند. مثل فیلم قلدراز و آن سکانس زجرآور حمله عصبی به شخصیت اصلی. سینما و داستان یقیناً فقط ضربه و غافلگیری نیست ولی، همین عنصر سیلی‌گونه، مخاطب را میخ صندلی‌اش می‌کند، گاهی اوقات هم ممکن است باعث بستن چشمانش شود و نتواند آن صحنه را ببیند. این مرز باریک زیبایی شناسی منجر به بروز هیجانات متفاوت، می‌تواند فیلم‌ها را به دو دسته افراطی و متعادل بدل کند. برای مثال در فیلم ۷ فینچر؛ به صورت معجزه‌واری نسخه‌ی اولیه فیلمنامه به دست فینچر می‌رسد، او هم از فیلمنامه بسیار استقبال می‌کند، اما بعداً کمپانی متوجه می‌شود نسخه اولیه را خوانده، برای همین نسخه بازنویسی شده را در اختیارش قرار می‌دهد ولی، فینچر مخالفت می‌کند و همان نسخه اولیه را می‌سازد. چون در نسخه بازنویسی شده، چهره‌ای که از جان دوو با بازی کوین اسپسی نشان داده می‌شود یک قاتل اسلشر بوده. کوین اسپسی را در نظر بگیرید که اره برقی (مثل اره برقی در تگزاس) در دست، دنبال همسر کارآگاه میلز در خانه تا سرش را ببرد. حالا بیایید این دو فیلم، یکی همان نسخه‌ای که از فینچر دیدیم و یکی هم، این چیزی که برایتان تعریف کردم را در نظر بگیرید. یکی می‌شود حال به هم زن یکی هم می‌شود درست و شاهکار.





شمایل کامل بی هدفی

نقد فیلم فسیل

سه

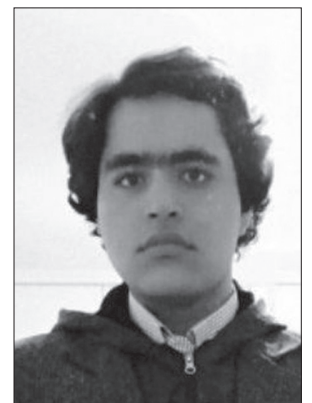
معلوم نیست چرا یک نفر باید هی به کما برود و هی جامعه تغییر کند. تازه تر، تغییری در جامعه نیست. چرا؟ به این دلیل: پوله که رو کله شه هیبت تاج (خون خورشید، سورنا، بهرام) اون که باید اجازه بگیره بی جا می کنه از آزادی یه جامعه میگه (میخونیم واسه طاغی ها، مجسمه، سورنا) حالا ترکیب کنید میل به پول و سود را، و میل حداکثری به مجوز را، و میل به نمایش تضادهایی که خودتان درش هستید را. اگر اسماعیل تعهدی می دهد به ساواک برای موسیقی، شماها بدتر از آن درین تعهد و امضای وام داری و سرسپردگی به یک سیستم نادرست این سرزمین برتر - برتر، خون، میل، لهله، لهله، نوره، سحر، جنگل، جنگل - غرق شده اید. کدام تغییر در جامعه وقتی آن موقع مذهبی خار در چشم بوده و چپ، و حالا آدم های عادی خازند و احمق؟ دختری و پسری میشینند کنار هم و گشت میآید؟ چه داستان عجیبی. ما اصلا با گشت آشنا نیستیم. ندیده ایم که چونو پطور با مردم رفتار کرده است. ما ندیده ایم رویه و روشی را که پهلوی برای نفاق و دورویی اجرا کرده بود. برای کسانی که لنگ دو قران پول هستند و یک آب و نان: زندگی چیه جز دوتا دوست، غذا و سفر خوب؟ (مهلکه، خون خورشید، بهرام) زندگی ای نیست در اینجا. هوای ما پر از سرب و خونه، آگه سرفه نمی کنید، نگید هوامون رو دارید (میکشن ایست، مجسمه، سورنا) با این وجود، ماجرای تمام سازندگان و تمام مجوزها و اهداف ساخته شده، باد و پوچ و پشم است. همه اش مسخره است. فسیل همانقدر مسخره است که اگر یک فسیل دیگری در زمان پهلوی ساخته می شد. جفتشان بی هدف و خودفروشند و تنها میلشان پول و زور است.

زندگی میکنم، با این تفاوت که موقعیت زندگی من، موقعیت کافی و عالی و بدون هیچ نقصی است، و پهلوی تماما بد اندر بد و طاغوت و اظهار من الشمس است که جاییش قعر جهنم است. حالا شاید فکر کنید که نه، اینجا نویسنده و کارگردان و تهیه کننده، با گذاشتن ذهن هایشان - همگی - در یک کاسه، خواسته اند بی تفاوتی آن دوره و این دوره را نشان دهند، و به مخاطب نشان دهند که آن موقع هم مثل الان بود، و مردم زیر فشار بودند. اما سوال اول اینست: آیا این حرف من، به مخیله ی این آقایان و خانم ها خطور هم می کند؟ و دوز منظور از مردم در فسیل، کیست و چیست؟ مردمی می بینید درین فیلم؟ مردم اسماعیل است یا آن مثلا چپ، یا آن مثلا عاشق و مذهبی؟ مردم آن محتکر است یا آن دخترش؟ چرا هیچ کدام ازین افراد، ویژگی خاصی ندارند؟ چرا این افراد فقط در دورویی باهم مشترک اند؟ چرا حتی اسماعیل هم بی فکر و بی دغدغه و بی هویت است؟ چرا هرکی با سودش فقط راه می رود؟ شخصیت های فیلم فسیل... نه! این اشخاص درون این تصاویر، نمونه ی بارز این شعر سورنانه: نمی تونم بگم برو بذار باد بیا: باید بگم برو، باد داره میره. (شروع، آوار، علی سورنا) آیا اگر بخواهیم عمیق تر بشویم، می توانیم بگویم این همراه باد رفتن هم، باز در مخیله ی سازندگان فیلم، و نیز مخاطبان فیلم نمی گنجیده است؟ چرا که تکلیف سازندگان فیلم مشخص است. چند بازیگر درجه دو برمی دارند و می کوشند با خنده و شوخی - به هر روشی که هست - مخاطب را بکشاند به سالن سینما و پولی بزنند به جیب. این ها حتی از شوخی های اینستاگرامی برای زمان قبل انقلاب استفاده میکنند. مسخره است. آن کلیپ پیرمرد در مترو و نمایش فرضی اینقدر فلان دارد، نمونه ی خلاقیت نویسنده است یا حتی کپی و... او؟

اگر پیش فرض و پیش زمینه ای نداشته باشیم برای یک فیلم یا داستان، باز هم فسیل نه خط داستانی ای دارد، نه شخصیتی. فسیل نه متمرکز بر پی رنگ است و نه متمرکز بر شخصیت. حتی به زور می خنداند. این ترکیب بی پی رنگی و بی شخصیتی و بی خنداندگی در یک ساعت و پنجاه دقیقه، ترکیب اصلا خوبی نیست. این یک مورد، مورد دوم که چرا داستان را تعریف نمی کنم برای اینست که تعریف چنین چیزی شلخته-پلخته است و راه به جایی نمی برد. نه من می فهمم چه گفته ام و نه شما می فهمید چی به چی است. ترجیح می دهم متن واضح باشد.

دو

به نظرم کمندی و طنز همان قدر که می توانند نقد کنند و با شوخی و پارودی و اغراق هدفمندی خودشان را نشان دهند، همانقدر هم می توانند متکی باشند به لحظه و موقعیت، و در جای-جای خاصی خنده از مخاطب بگیرند. با مورد اول، نقش پی رنگ و پیش زمینه های ذهنی مخاطب از دنیای واقعی بیرون فیلم پررنگ میشود، و با مورد دوم، نقش شخصیت داستانی درون فیلم، فسیل مورد دوم را ندارد، و در مورد اول، صرفا یک روسپی است. خب یعنی چی؟ یعنی اینکه فسیل دست میگذارد روی موقعیت هایی از پهلوی، که موقعیت های مهم و اثرگذاری هستند. مانند چه؟ مانند ساواک، و تعهد گرفتن از زندانیان-اشخاص. ما نمی توانیم به ساواک و تعهد بخندیم، وقتی تعهد و گزینش و مصاحبه در تک تک ادارات رسمی که نه، ادارات و استخدام های مذهبی ریشه و لانه کرده. می خواهید ساواک را مسخره کنید، چه فرقی است بین آن ها و این ها؟ من نمی توانم به پهلوی فیلم شده ای بخندم که موقعیت طنزش همانی است که خودم دارم درش



محمد صالح فصیحی

یک

از فیلمهای پرفروش این چند ماه اخیر، یکی فیلم فسیل است. فیلمی طنز که داستانش از زمان قبل انقلاب شروع می شود و تا بعد انقلاب کشیده می شود. من میلی ندارم که بخواهم داستان فیلم را تعریف کنم. در وهله ی اول به این دلیل واضح و مبرهن، که: فسیل داستان ندارد. اگر یک بچه، یک جوان، یک بزرگسال، یا هر کس دیگری را که بهش می گوئیم انسان، بیاوریم، و فسیل را نشان دهیم، و بعدش بهش بگوئیم این درباره ی چی بود؟ یا: ماجرا از چه قرارست؟ یا همچین حرفهایی را به او بزنیم، او گیج و گنگ ما را نگاه می کند، و یا نهایتا بخواهد تعریف کند که این تصاویر (و حتی نه این فیلم) از کجا شروع شده و در کجا تمام شده، و تصور کند که این یعنی داستان فیلم. حتی ما اگر داستان را در روند کلاسیک نشینیم، حتی

«آگهی ثبتی»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهایی فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلاعارضی کلاسه ۱۴۰۳/۱۹/۱۶/۱۷/۱۸/۱۹/۲۰/۲۱/۲۲/۲۳/۲۴/۲۵/۲۶/۲۷/۲۸/۲۹/۳۰/۳۱/۳۲/۳۳/۳۴/۳۵/۳۶/۳۷/۳۸/۳۹/۴۰/۴۱/۴۲/۴۳/۴۴/۴۵/۴۶/۴۷/۴۸/۴۹/۵۰/۵۱/۵۲/۵۳/۵۴/۵۵/۵۶/۵۷/۵۸/۵۹/۶۰/۶۱/۶۲/۶۳/۶۴/۶۵/۶۶/۶۷/۶۸/۶۹/۷۰/۷۱/۷۲/۷۳/۷۴/۷۵/۷۶/۷۷/۷۸/۷۹/۸۰/۸۱/۸۲/۸۳/۸۴/۸۵/۸۶/۸۷/۸۸/۸۹/۹۰/۹۱/۹۲/۹۳/۹۴/۹۵/۹۶/۹۷/۹۸/۹۹/۱۰۰/۱۰۱/۱۰۲/۱۰۳/۱۰۴/۱۰۵/۱۰۶/۱۰۷/۱۰۸/۱۰۹/۱۱۰/۱۱۱/۱۱۲/۱۱۳/۱۱۴/۱۱۵/۱۱۶/۱۱۷/۱۱۸/۱۱۹/۱۲۰/۱۲۱/۱۲۲/۱۲۳/۱۲۴/۱۲۵/۱۲۶/۱۲۷/۱۲۸/۱۲۹/۱۳۰/۱۳۱/۱۳۲/۱۳۳/۱۳۴/۱۳۵/۱۳۶/۱۳۷/۱۳۸/۱۳۹/۱۴۰/۱۴۱/۱۴۲/۱۴۳/۱۴۴/۱۴۵/۱۴۶/۱۴۷/۱۴۸/۱۴۹/۱۵۰/۱۵۱/۱۵۲/۱۵۳/۱۵۴/۱۵۵/۱۵۶/۱۵۷/۱۵۸/۱۵۹/۱۶۰/۱۶۱/۱۶۲/۱۶۳/۱۶۴/۱۶۵/۱۶۶/۱۶۷/۱۶۸/۱۶۹/۱۷۰/۱۷۱/۱۷۲/۱۷۳/۱۷۴/۱۷۵/۱۷۶/۱۷۷/۱۷۸/۱۷۹/۱۸۰/۱۸۱/۱۸۲/۱۸۳/۱۸۴/۱۸۵/۱۸۶/۱۸۷/۱۸۸/۱۸۹/۱۹۰/۱۹۱/۱۹۲/۱۹۳/۱۹۴/۱۹۵/۱۹۶/۱۹۷/۱۹۸/۱۹۹/۲۰۰/۲۰۱/۲۰۲/۲۰۳/۲۰۴/۲۰۵/۲۰۶/۲۰۷/۲۰۸/۲۰۹/۲۱۰/۲۱۱/۲۱۲/۲۱۳/۲۱۴/۲۱۵/۲۱۶/۲۱۷/۲۱۸/۲۱۹/۲۲۰/۲۲۱/۲۲۲/۲۲۳/۲۲۴/۲۲۵/۲۲۶/۲۲۷/۲۲۸/۲۲۹/۲۳۰/۲۳۱/۲۳۲/۲۳۳/۲۳۴/۲۳۵/۲۳۶/۲۳۷/۲۳۸/۲۳۹/۲۴۰/۲۴۱/۲۴۲/۲۴۳/۲۴۴/۲۴۵/۲۴۶/۲۴۷/۲۴۸/۲۴۹/۲۵۰/۲۵۱/۲۵۲/۲۵۳/۲۵۴/۲۵۵/۲۵۶/۲۵۷/۲۵۸/۲۵۹/۲۶۰/۲۶۱/۲۶۲/۲۶۳/۲۶۴/۲۶۵/۲۶۶/۲۶۷/۲۶۸/۲۶۹/۲۷۰/۲۷۱/۲۷۲/۲۷۳/۲۷۴/۲۷۵/۲۷۶/۲۷۷/۲۷۸/۲۷۹/۲۸۰/۲۸۱/۲۸۲/۲۸۳/۲۸۴/۲۸۵/۲۸۶/۲۸۷/۲۸۸/۲۸۹/۲۹۰/۲۹۱/۲۹۲/۲۹۳/۲۹۴/۲۹۵/۲۹۶/۲۹۷/۲۹۸/۲۹۹/۳۰۰/۳۰۱/۳۰۲/۳۰۳/۳۰۴/۳۰۵/۳۰۶/۳۰۷/۳۰۸/۳۰۹/۳۱۰/۳۱۱/۳۱۲/۳۱۳/۳۱۴/۳۱۵/۳۱۶/۳۱۷/۳۱۸/۳۱۹/۳۲۰/۳۲۱/۳۲۲/۳۲۳/۳۲۴/۳۲۵/۳۲۶/۳۲۷/۳۲۸/۳۲۹/۳۳۰/۳۳۱/۳۳۲/۳۳۳/۳۳۴/۳۳۵/۳۳۶/۳۳۷/۳۳۸/۳۳۹/۳۴۰/۳۴۱/۳۴۲/۳۴۳/۳۴۴/۳۴۵/۳۴۶/۳۴۷/۳۴۸/۳۴۹/۳۵۰/۳۵۱/۳۵۲/۳۵۳/۳۵۴/۳۵۵/۳۵۶/۳۵۷/۳۵۸/۳۵۹/۳۶۰/۳۶۱/۳۶۲/۳۶۳/۳۶۴/۳۶۵/۳۶۶/۳۶۷/۳۶۸/۳۶۹/۳۷۰/۳۷۱/۳۷۲/۳۷۳/۳۷۴/۳۷۵/۳۷۶/۳۷۷/۳۷۸/۳۷۹/۳۸۰/۳۸۱/۳۸۲/۳۸۳/۳۸۴/۳۸۵/۳۸۶/۳۸۷/۳۸۸/۳۸۹/۳۹۰/۳۹۱/۳۹۲/۳۹۳/۳۹۴/۳۹۵/۳۹۶/۳۹۷/۳۹۸/۳۹۹/۴۰۰/۴۰۱/۴۰۲/۴۰۳/۴۰۴/۴۰۵/۴۰۶/۴۰۷/۴۰۸/۴۰۹/۴۱۰/۴۱۱/۴۱۲/۴۱۳/۴۱۴/۴۱۵/۴۱۶/۴۱۷/۴۱۸/۴۱۹/۴۲۰/۴۲۱/۴۲۲/۴۲۳/۴۲۴/۴۲۵/۴۲۶/۴۲۷/۴۲۸/۴۲۹/۴۳۰/۴۳۱/۴۳۲/۴۳۳/۴۳۴/۴۳۵/۴۳۶/۴۳۷/۴۳۸/۴۳۹/۴۴۰/۴۴۱/۴۴۲/۴۴۳/۴۴۴/۴۴۵/۴۴۶/۴۴۷/۴۴۸/۴۴۹/۴۵۰/۴۵۱/۴۵۲/۴۵۳/۴۵۴/۴۵۵/۴۵۶/۴۵۷/۴۵۸/۴۵۹/۴۶۰/۴۶۱/۴۶۲/۴۶۳/۴۶۴/۴۶۵/۴۶۶/۴۶۷/۴۶۸/۴۶۹/۴۷۰/۴۷۱/۴۷۲/۴۷۳/۴۷۴/۴۷۵/۴۷۶/۴۷۷/۴۷۸/۴۷۹/۴۸۰/۴۸۱/۴۸۲/۴۸۳/۴۸۴/۴۸۵/۴۸۶/۴۸۷/۴۸۸/۴۸۹/۴۹۰/۴۹۱/۴۹۲/۴۹۳/۴۹۴/۴۹۵/۴۹۶/۴۹۷/۴۹۸/۴۹۹/۵۰۰/۵۰۱/۵۰۲/۵۰۳/۵۰۴/۵۰۵/۵۰۶/۵۰۷/۵۰۸/۵۰۹/۵۱۰/۵۱۱/۵۱۲/۵۱۳/۵۱۴/۵۱۵/۵۱۶/۵۱۷/۵۱۸/۵۱۹/۵۲۰/۵۲۱/۵۲۲/۵۲۳/۵۲۴/۵۲۵/۵۲۶/۵۲۷/۵۲۸/۵۲۹/۵۳۰/۵۳۱/۵۳۲/۵۳۳/۵۳۴/۵۳۵/۵۳۶/۵۳۷/۵۳۸/۵۳۹/۵۴۰/۵۴۱/۵۴۲/۵۴۳/۵۴۴/۵۴۵/۵۴۶/۵۴۷/۵۴۸/۵۴۹/۵۵۰/۵۵۱/۵۵۲/۵۵۳/۵۵۴/۵۵۵/۵۵۶/۵۵۷/۵۵۸/۵۵۹/۵۶۰/۵۶۱/۵۶۲/۵۶۳/۵۶۴/۵۶۵/۵۶۶/۵۶۷/۵۶۸/۵۶۹/۵۷۰/۵۷۱/۵۷۲/۵۷۳/۵۷۴/۵۷۵/۵۷۶/۵۷۷/۵۷۸/۵۷۹/۵۸۰/۵۸۱/۵۸۲/۵۸۳/۵۸۴/۵۸۵/۵۸۶/۵۸۷/۵۸۸/۵۸۹/۵۹۰/۵۹۱/۵۹۲/۵۹۳/۵۹۴/۵۹۵/۵۹۶/۵۹۷/۵۹۸/۵۹۹/۶۰۰/۶۰۱/۶۰۲/۶۰۳/۶۰۴/۶۰۵/۶۰۶/۶۰۷/۶۰۸/۶۰۹/۶۱۰/۶۱۱/۶۱۲/۶۱۳/۶۱۴/۶۱۵/۶۱

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۷۵۸۰۰۳۱۲۰۱۶۳۶ تاریخ ۱۴۰۳.۹.۰۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاس ۱۴۰۳۷۵۸۰۰۳۱۲۰۱۶۳۶ تصرفات اعلام و بلامعارض تقاضای آقای ایوب توکلی فرزند ثامن به شماره شناسنامه و کدملی ۶۲۶۹۲۹۷۰ صادره آق قلا در ششادنگ یک قطعه زمینی مزروعی به مساحت ۴۸۷۹.۹۵ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۱۷۸۷ فرعی از ۹۲ فرعی ۴- اصلی واقع در آق قلا- اراضی قریبه مرع شورده زار بخش -\ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی آقای ایوب توکلی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونیت به فاصله ۱ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مذکور اول، وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوت ادو، سهشنبه ۱۴۰۴.۱۰.۰۹ تاریخ انتشار نوت دوم، چهارشنبه ۱۴۰۴.۱۰.۲۳

همانجا جعفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا: ۱۰۱

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۳۱۲۰۸۰۰۶۶۶۷ تاریخ ۱۴۰۳۰۸۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۱۲۰۸۰۰۰۰۲۶ تصفیه مالکانه و بلامعارض مقاضای آقای شاور توکلی فرزند شدیدی به شماره شناسنامه ۴۷۹۷۶۷۰۱۹ صادره از قلا در شناسنامه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۲۴۸۸۹۲ مترمربع مفروز و مجری شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۹۲ فرعی ۴-۱ اصلی واقع در قلا-آق قلا-آق قلا قریه مرتجع

شوره زار بخش ۷- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی آقای شاور توکلی از سنا مالکیت به شماره چایی ۰۷۱۵۱۳۰ تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دویون به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیتی متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت سه ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۱.۰۱.۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۱.۰۲.۰۳
ممتاز جهافر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۱۰۲

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

[illegible]

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۷۷۹۶-۰۸۰۳۱۲۰۱۴۵ تاریخ ۱۴۰۳.۱۰.۱۹ هیت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاس ۹۶۷۹۸۲۰۹۵۶-۸۳۶۴۱۱۲۵۷۲۳۲۹۹۷ تصرفات مالکانه و ۹۶۷۹۸۲۰۹۵۶ متقاضی آقای علی یلمه فرزند محمد دردی به شماره شناسنامه ۳۳ کدملی ۹۶۷۹۸۲۰۹۵۶ صادره از آقا در ششادنگ یک قطعه زمین مرزویی به مساحت ۱۹۷۲/۷ مترمربع مغرور و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۷۳ اصلی واقع در آق قلا - اراضی قریه یلمه سالیان بخش ۱۲ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را بر مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار گلستان گفت: تمامی پروژه‌های عمرانی و اقتصادی استان تا زمان برگزاری کنگره به نام شهدا به بهره‌برداری خواهد رسید. به گزارش روابط عمومی، محمد حمیدی در جلسه ستاد برگزاری کنگره ملی بزرگداشت ۴۰۰۰ شهید استان گلستان با تأکید بر ارتقای کیفیت برگزاری کنگره اظهار کرد: هدف از این رویداد، تعمیق فرهنگ ایثار و شهادت به‌ویژه در میان نسل جوان

است که همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده است. وی افزود: کنگره شهدای گلستان باید با حجم و کیفیتی بالاتر از دوره‌های گذشته و در شأن شهدا، خانواده‌های معظم آنان و مردم شهیدپرور استان برگزار شود. حمیدی همچنین به استفاده از ظرفیت این کنگره برای تسریع در تخصیص اعتبارات پروژه‌های نیمه‌تمام و تکمیل آنها اشاره کرد و گفت: این رویداد فرصتی ارزشمند برای توسعه زیرساخت‌های استان

انتضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد
تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴.۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴.۲۰
مهنار جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۱۳۶

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۲۰۸۰۰۹۶۲۰ تاریخ ۱۴۰۳.۱۲.۱۳ هیت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاس ۳۵۷۱۱۴۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰ تصرفات مالکانه و بااعبارض متقاضی اشتراک مهرداد جرجانی داد فرزند طروق محمد به شماره شناسنامه ۶۹۷۸ کدملی ۱۰۱۲-۹۹۷۹۱۱۰ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۶۰۷.۴۸ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۶۹ فرعی از ۱۶ اصلی واقع در اراضی قریه جن سبلی بخش ۱۲ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی بهمین جرجانی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در نوبت به فاصله ۱۵ روز آگاهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می نمایند تا تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

انتشار نشمار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴.۰۱.۱۹
انتشار نشمار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴.۰۲.۰۳

منابع جهانگیر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۱۳۴

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۸۳۲۰۰۸۱۰۲۹ تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاس ۱۴۰۳/۱۱۴۱۲۰۰۸۰۰۳۴۹ صادره آق ای بایرام گلدی اول فرزند قربان به شماره شناسنامه ۱۴۲۹ کدملی ۹۷۹۶۱۷۱۹۰۵ صادره آق قلا در شتادنگ کلی قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۴۴.۴۴ مترمربع متفرع و مجزی شده جزئی از پلاک های ثبتی شماره ۱۲۵۹۶ اصلی به مساحت ۸۳۳۳.۱۵ مترمربع و (۱۲.۴۱۱) اصلی به مساحت ۳۹۱۷.۹۹ مترمربع و (۱۲.۴۱۰) اصلی به مساحت ۳۱۷.۰۴ مترمربع و ۱۲.۵۵۷ اصلی به مساحت ۸۷۶.۲۷ مترمربع-اصلی واقع در اراضی قریه اونق یلقی بخش ۱۳ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی آنه محمد میرزاغالی، بی بی عالییه قربان اونق، امان گلدی میرزاغالی و اولز اگیهی یلقی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دویون به فاصله ۱۵ روز اگیهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور مراتب مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

مهناز جهانفر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۱۳۳

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳
آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی
و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۳۲۲۰۸۰۰۵۰۵ تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت بیتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان قلا در پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۴۱۲۱۰۸۰۰۰۰۰۰۰ تصرفات مالکانه و بااعلاراضی متقاضی خانم طاهره خاک پور فرزند سبحان بردی در شماره شناسنامه ۲۰۹ کد ملی ۹۷۹۶۹۳۸۲ صادره آق قلا در ششادنگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده به مساحت ۲۴۷.۶۵ متر مربع فروز و مجزی شده جزئی آق پلاک بیتی شماره ۴- اصلی واقع در آق قلا-ارضی قریه پلمه خندان- محله حکیم آباد -اتحاد- بخش ۱۳- حوزه ثبت ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مردم در دویون به فاصله ۱۵ روز آگاهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از اعتراضات را مشخص به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ،دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: سه شنبه ۱۴۰۴/۰۱/۱۹ اراضی قلا قرار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ تاریخ جهافر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلام الف: ۱۵۰

است. در این نشست همچنین مقرر شد بخشی از اعتبارات فرهنگی گلستان به تولید محصولات فرهنگی نظیر فیلم و کتاب اختصاص یابد تا برنامه‌های جانبی کنگره با غنای بیشتری اجرا شود. کنگره ملی بزرگداشت ۴۰۰۰ شهید استان گلستان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی منطقه با هدف ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و بازنمایی رشادت‌های شهدا سال ۱۴۰۵ برگزار خواهد شد.



ترکمن صحرا، پیشتاز انرژی خورشیدی شمال کشور

علی قاسمعلی

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، دشت‌های شمالی استان گلستان که به ترکمن صحرا معروف است؛ به مرکز توجه متولیان حوزه انرژی تبدیل شده است. به استناد آمار نهادهای مرتبط با اقلیم شناسی، استان گلستان به ویژه مناطق شمالی آن (ترکمن صحرا) از حدود ۳۰۰ روز آفتابی برخوردار است؛ این ویژگی در کنار وجود ده‌ها هزار هکتار اراضی لم یزرع و شور (غیر قابل کشت)، این خطه را به مستعدترین منطقه، برای راه‌اندازی مزارع پنل‌های خورشیدی تبدیل کرده است. زمین‌هایی که شاید بدر هیچ گیاهی در آن سبز نشود؛ میزبان پنل‌های خورشیدی می‌شوند تا آینده کشور و گلستان، سبزتر از امروز باشد. بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته اراضی غیر قابل کشت در محدوده روستای قره قاشلی شهرستان بندرترکمن و همچنین روستای سقر قرتیه شهرستان گمیشان تا چند ماه آینده میزبان دو مزرعه بزرگ خورشیدی خواهند بود و آرام آرام ترکمن صحرای گلستان به قطب تولید انرژی پاک تبدیل خواهد شد. کاهش گازهای گلخانه‌ای، تامین استقلال انرژی، بی‌نیازی به سوخت‌های فسیلی، حفظ محیط زیست در کنار حل چالش ناترازی انرژی از جمله ثمرات توسعه این صنعت قلمداد می‌شود. بنا به اظهارات مسئولان حوزه انرژی در استان گلستان، نیروگاه آذرخش علی آباد کنترل حدود ۱۰۰۰ مگاوات برق تولید می‌کند؛ اما مصرف برق گلستان حدود ۱۶۰۰ مگاوات است که الباقی انرژی از شبکه توزیع انتقال برق سراسری کشور تامین می‌شود؛ هرچند قرار است با بهره‌گیری از سیکل ترکیبی نیروگاه علی آباد کنترل ۵۰۰ مگاوات به برق گلستان افزوده شود اما تا نقد شدن این نسبه راه درازی در پیش است. در کنار همه محاسن ذکر شده در خصوص راه‌اندازی نیروگاه برق نباید از درآمدزایی این صنعت برای بهره‌برداران غافل شد؛ خرید تضمینی برق تولیدی توسط شرکت توانیر سبب شده تا نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد و بهزیستی هم وارد گود شوند و با پیش بینی تسهیلات کم بهره، مسیر را برای گسترش این صنعت سبز هموارتر کنند. در این رویه، مددجویان تحت پوشش برق تولیدی توسط پنل‌های خورشیدی را به توانیر فروخته و

از عایدی آن ارتزاق می‌کنند. شاید در سال‌ها و البته دهه‌های گذشته به توسعه انرژی تجدیدپذیر و پاک اهمیت زیادی داده نشده است؛ اما اتفاقات ماه‌های اخیر در ترکمن صحرای گلستان چشم انداز روشنی به زعم صاحب‌نظران استمرار این رویه و حمایت از آن می‌تواند بخشی از ناترازی انرژی را برطرف کرده و آینده سبزتر و پایدار را برای استان گلستان رقم بزند.

چشم انداز ۵۰۰ مگاواتی برق از انرژی خورشید

سید احمد موسوی، مدیرعامل شرکت توزیع برق گلستان در جلسه توسعه انرژی تجدیدپذیر و تامین انرژی پایدار در گلستان اظهارکرد: شمال استان گلستان در محدوده ترکمن صحرا به لحاظ شرایط آب و هوایی و میزان نور خورشید شرایط بسیار مطلوبی برای احداث نیروگاه خورشیدی دارد و در تلاش هستیم تا با جانمایی زمین در این منطقه، مزارع خورشیدی را توسعه دهیم. وی تصریح کرد: با همکاری استانداری گلستان، از سرمایه‌گذاران احداث نیروگاه خورشیدی حمایت می‌شود و پروسه اداری آن تسهیل خواهد شد. وی گفت: دورنمای تعریف شده توسط وزارت نیرو برای این استان تولید ۵۰۰ مگاوات برق از انرژی خورشید است که باید مقدمات آن توسط شرکت برق منطقه‌ای گلستان - مازندران با مشارکت

میلیارد ریال است. موسوی همچنین به توسعه مزارع خورشیدی در بخش کشاورزی، اشاره کرد و گفت: در این طرح که با هدف کاهش مصرف برق در بخش کشاورزی و همچنین افزایش درآمد کشاورزان طراحی شده، به کشاورزان این امکان را می‌دهد تا با نصب نیروگاه‌های خورشیدی کوچک در مزارع خود، برق مورد نیازشان را تامین کنند و مازاد برق تولیدی را با قیمتی تضمینی به شرکت توزیع نیروی برق بفروشند. موسوی با اشاره به مشکلات کشاورزان در شرایط کم‌آبی و لزوم مدیریت مصرف برق در چاه‌های کشاورزی، گفت: ما در شرکت توزیع نیروی برق گلستان، همواره در تلاشیم تا از کشاورزان حمایت کنیم و شرایط را برای آنها آسان‌تر کنیم. وی بیان کرد: طرح جدید به کشاورزان این امکان را می‌دهد تا با سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی کوچک، علاوه بر تامین برق مورد نیاز خود، از طریق فروش مازاد برق تولیدی، به درآمد جدیدی نیز دست یابند. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق گلستان افزود: وزارت نیرو، قیمت خرید برق تولیدی از نیروگاه‌های خورشیدی کوچک کشاورزان را به مدت ۲۰ سال و با توجه به نرخ تورم، تضمین می‌کند. این طرح همچنین به کاهش مصرف برق در بخش کشاورزی و حفظ محیط زیست کمک خواهد کرد. موسوی از کشاورزان استان دعوت کرد تا با مراجعه به شرکت توزیع نیروی



برق استان گلستان، اطلاعات بیشتری در مورد این طرح کسب کنند و از مزایای آن بهره‌مند شوند.

بهره‌مندی ۲۴۰ خانوار گمیسانی از عایدی پنل خورشیدی

امید سقلی، فرماندار شهرستان گمیشان در شمال استان گلستان به خبرنگار دانشجو گفت: نیروگاه خورشیدی ۱.۲ مگاواتی در زمین اهدایی به مساحت ۲ هکتار با تخصیص اعتبار ۳۳۰ میلیارد ریال از محل تسهیلات کمیته امداد حضرت امام (ره) به منظور توانمندسازی مالی مددجویان تحت پوشش آن نهاد احداث می‌شود. وی افزود: با احداث این نیروگاه ضمن کمک به رفع ناترازی تولید برق و ضعف ولتاژ در منطقه، در جهت استفاده حداکثری از ظرفیت انرژی خورشیدی و کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و استفاده از انرژی‌های پاک اجرا خواهد شد. سقلی بیان کرد: در این طرح ۲۴۰ خانواده از مددجویان کمیته امداد از درآمدهای مالی کسب شده از محل فروش انرژی برق تولیدی توسط این نیروگاه منتفع خواهند شد. وی ادامه داد: عملیات اجرایی دومین مزرعه خورشیدی استان در روزهای آینده در مجاورت شهرستان

در محدوده قره قاشلی ترکمن آغاز خواهد شد.

۱۰۰۰ پنل وارد مدار تولید می‌شوند

مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان هم به خبرنگاران گفت: فعالیت در بخش تولید انرژی خورشیدی به‌عنوان یکی از فرصت‌های جذاب و در دسترس برای درآمدزایی به دلیل نیاز به هزینه اولیه زیاد، دشوار است که بانک‌ها می‌توانند با آسان گرفتن پرداخت وام، انجام این کار را برای مددجویان این نهاد و دهک‌های کم درآمد یک تا پنج جامعه آسان کنند. عیسی بابایی افزود: بانک‌های استان به جای ضامن اداری، خرید تضمین برق تولیدی توسط شرکت برق را به عنوان پشتوانه تضمین بازگشت وام قرار دهند. وی در خصوص وام راه‌اندازی پنل خورشیدی در کمیته امداد، گفت: این نهاد یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال وام ارزان قیمت را به مددجویان و خانواده‌های کم درآمد دهک یک تا پنج برای راه اندازی پنل خورشیدی در نظر گرفته است. مدیرکل کمیته امداد گلستان گفت: امسال این اداره کل تعهد راه اندازی ۳۵۰ پنل خورشیدی و تولید انرژی خورشیدی را در استان دارد که با برنامه‌ریزی صورت گرفته، برآورد می‌شود که حداقل هزار پنل خورشیدی وارد چرخه تولید برق شود. وی یادآور شد: راه‌اندازی نیروگاه‌های خورشیدی در منازل مددجویان و پشت‌بام خانه‌ها در قالب نیروگاه پنج کیلوواتی و تولید برق خورشیدی یا در زمین‌های واگذار شده از سوی خیرین، زمین‌های متعلق به روستاها، منابع طبیعی و آبخیزداری و سایر دستگاه‌های اجرایی به صورت تجمیعی و در قالب مزرعه خورشیدی اجرا می‌شود. وی گفت: هر کیلو وات برق تولیدی از مددجویان با قیمت ۳۵ هزار ریال توسط شرکت برق خریداری می‌شود.

مزارع خورشیدی چالش ناترازی را برطرف می‌کند

علی‌اصغر طهماسبی، استاندار گلستان هم در جمع تجار و فعالان اقتصادی این استان اظهار کرد: سرمایه‌گذاران حوزه انرژی باید به سرعت تعیین تکلیف شوند و مکان سرمایه‌گذاری برای آنها تعیین شود. استاندار گلستان با تاکید بر اینکه بسیاری از سرمایه‌گذاران از مسوولان توقع تسهیلات ندارند، خواستار رفع بروکراسی اداری و جلوگیری از معطلی سرمایه‌گذاران شد. وی کمبود برق را یکی از معضلات توسعه اقتصادی و تولیدی در این استان اعلام کرد و گفت: فقر زیرساخت‌ها یکی از چالش‌های گلستان است که باید با توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و حمایت سرمایه‌گذاران این حوزه برای حل مشکلات گلستان در این بخش گام برداریم. به گفته طهماسبی؛ توسعه نیروگاه‌های خورشیدی می‌تواند میزان مصرف برق در بخش‌های مختلف خانگی، صنعتی و تولیدی را تضمین کند. پایان سخن آنکه، براساس دیدگاه کارشناسان، تنها راه برای تامین پایدار انرژی به ویژه برق حرکت به سوی ایجاد نیروگاه‌های تجدیدپذیر مانند مزارع خورشیدی است. اینک که، به لطف الهی استان گلستان از ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی لازم برای توسعه این صنعت برخوردار است؛ امید است تا با گسترش روزافزون مزارع خورشیدی در این استان به ویژه در مناطق شمالی و ترکمن صحرا موضوع ناترازی انرژی در سال‌های آینده کاملاً برطرف شود. مضافاً اینکه گسترش این مزارع خورشیدی می‌تواند موجب بهبود سطح معیشت و ارتقای درآمد اهالی مرزنشین و کم برخوردار این استان شمالی شود.

طلای نرم شمال؛

چرا نوغانداری گلستان یک فرصت طلایی است؟

برای تبدیل این صنعت به یک موتور محرکه اقتصادی، راهکارهایی مانند ایجاد واحدهای فرآوری محلی مانند احداث کارگاه‌های ابریشم‌کشی و تولید نخ برای کاهش وابستگی به استان‌های دیگر، تنظیم تعرفه‌های واردات و افزایش تعرفه ابریشم خارجی برای حمایت از تولید داخلی، بازاریابی بین‌المللی با حضور فعال در نمایشگاه‌های جهانی و انعقاد قراردادهای صادراتی و استفاده از روش‌های مدرن پرورش کرم ابریشم برای افزایش بهره‌وری پیشنهاد می‌شود. مدیر جهاد کشاورزی شهرستان مینودشت با اعلام خبر آغاز توزیع تخم نوغان در استان گلستان، نوید یک فصل پررونق برای پرورش‌دهندگان کرم ابریشم داد. به گفته مهدی مشملی، امسال قرار است هشت هزار و ۵۰۰ جعبه تخم نوغان در اختیار نوغانداران این استان قرار گیرد تا بار دیگر گلستان به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی تولید ابریشم کشور بدرخشد. وی بیان کرد: این تخم‌ها در نمایندگی‌های منتخب شهرهای مینودشت، گنبدکاووس، کلاله، مراوه‌تپه، آزادشهر، رامیان، علی‌آبادکتول و گرگان توزیع خواهد شد. قیمت هر جعبه تخم نوغان ۴۰۰ هزار ریال تعیین شده، اما برای آن‌هایی که دنبال گزینه‌ای آماده‌تر هستند، تخم نوغان تفریخ‌شده (کرم ابریشم رشدیافته) با قیمت ۹۰۰ هزار ریال عرضه می‌شود. مشملی ادامه داد: مینودشت با پنج هزار جعبه، پیش‌از این طرح است و پس از آن کلاله با هزار و ۵۰۰، مراوه‌تپه با ۹۰۰ و گالیکش با ۵۵۰ جعبه در رتبه‌های بعدی قرار دارند. وی با اشاره به تولید ۲۷۰ تن پيله‌تر ابریشم در سال گذشته، پیش‌بینی کرد که امسال این رقم به ۳۰۰ تا ۳۲۰ تن برسد؛ رشدی که نشان‌دهنده عزم جدی گلستان برای فتح قله‌های تولید ابریشم است. اما این فقط اعداد و ارقام نیست؛ پشت این جعبه‌ها، زندگی بیش از چهار هزار و ۵۰۰ خانوار گلستانی جریان دارد که با عشق و تلاش به پرورش کرم ابریشم مشغول‌اند. از این تعداد، ۲ هزار و ۲۰۰ خانوار در روستاهای مینودشت فعال‌اند و این منطقه را به قطب ۶۰ درصدی تولید پيله‌تر ابریشم در گلستان تبدیل کرده‌اند. شهرهای رامیان، کلاله، گالیکش، مراوه‌تپه، آزادشهر، گنبدکاووس، علی‌آبادکتول و گرگان هم در این مسیر همراه‌اند و هرکدام سهمی در این صنعت سنتی و ارزشمند دارند. مشملی افزود: از زمان تحویل جعبه تا تولید پيله، فقط ۴۵ روز زمان می‌برد و نگران برگ توت هم نباشید؛ گلستان به اندازه کافی از این طلای سبز برای کرم‌های ابریشم دارد. نوغانداری در گلستان بیش از یک صنعت است؛ این حرفه، پلی است بین گذشته و آینده، بین سنت و توسعه، بین طبیعت و اقتصاد. ابریشم، این طلای نرم شمال، با پشتوانه طبیعت غنی گلستان، تلاش مردمانش و سیاست‌های هوشمندانه، می‌تواند به نمادی از موفقیت اقتصادی در ایران تبدیل شود. اگر این فرصت طلایی با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری مناسب به کار گرفته شود، گلستان نه‌تنها در تولید ابریشم خودکفا خواهد شد، بلکه به یکی از بازیگران اصلی بازار جهانی ابریشم نیز بدل می‌شود. آینده درخشان این صنعت در انتظار همتی جمعی است؛ از کشاورزان گرفته تا سیاست‌گذاران، همه باید دست به دست هم دهند تا این گنج پنهان، به ثروتی آشکار برای ایران تبدیل شود.



امسال قرار است هشت هزار و ۵۰۰ جعبه تخم نوغان در اختیار نوغانداران این استان قرار گیرد تا بار دیگر گلستان به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی تولید ابریشم کشور بدرخشد

چین، هند و ترکیه، که از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان ابریشم در جهان هستند، می‌توانند مقصد بعدی صادرات ابریشم گلستان باشند.

نقش جهاد کشاورزی

سیاست‌هایی برای جهش احیای نوغانداری در گلستان بدون حمایت‌های هدفمند دولتی ممکن نبود. وزارت جهاد کشاورزی در سال‌های گذشته با اجرای سیاست‌های حمایتی، گام‌های بلندی در این مسیر برداشته است. از جمله این اقدامات می‌توان به این موارد اشاره کرد: توزیع تخم نوغان یارانه‌ای، تأمین تخم نوغان باکیفیت و ارزان‌قیمت برای کشاورزان، تسهیلات کم‌بهره با ارائه وام‌های با کارمزد ۴ تا ۶ درصد از طریق صندوق کارآفرینی امید، خرید تضمینی پيله، تعیین قیمت‌های مناسب و خرید مستقیم از تولیدکنندگان برای تضمین سودآوری، توسعه توتستان‌ها با کاشت نهال‌های توت اصلاح‌شده و احیای توتستان‌های قدیمی، برگزاری دوره‌های آموزشی برای افزایش مهارت نوغانداران و جذب نسل جوان به این صنعت. این سیاست‌ها نه‌تنها اعتماد کشاورزان را به نوغانداری بازگردانده، بلکه انگیزه‌ای برای گسترش این فعالیت در سطح استان ایجاد کرده است. به عنوان مثال، در شهرستان گالیکش، که یکی از مراکز اصلی نوغانداری گلستان است، حمایت‌های دولتی به افزایش تولید و بهبود کیفیت پيله‌ها منجر شده است.

پلی به سوی آینده

با وجود پتانسیل‌های فراوان، نوغانداری در گلستان با چالش‌هایی نیز مواجه است. کمبود زیرساخت‌های فرآوری، رقابت با ابریشم وارداتی ارزان‌قیمت، نوسانات بازار از جمله موانعی هستند که باید برطرف شوند.

را به خود اختصاص داده و تنها در سال گذشته، بیش از ۳۰۰ تن پيله تر تولید کرده است. این آمار نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه‌ای است که با برنامه‌ریزی دقیق، می‌تواند چند برابر شود. علاوه بر طبیعت مساعد، نیروی انسانی ماهر و با تجربه نیز یکی از ستون‌های اصلی این صنعت در گلستان است. نوغانداری در این منطقه اغلب به‌صورت خانوادگی و فصلی انجام می‌شود و زنان روستایی نقش کلیدی در این فرایند دارند. این فعالیت نه‌تنها به‌عنوان یک منبع درآمد مکمل برای خانوارهای روستایی عمل می‌کند، بلکه با ایجاد اشتغال پایدار، از مهاجرت به شهرها جلوگیری کرده و به حفظ بافت اجتماعی و فرهنگی منطقه کمک می‌کند.

اقتصاد ابریشم

نوغانداری در گلستان به تولید پيله محدود نمی‌شود؛ این صنعت زنجیره‌ای گسترده از فرصت‌های اقتصادی را در بر می‌گیرد. هر جعبه تخم نوغان، که حدود ۳۵ تا ۴۰ کیلوگرم پيله تر تولید می‌کند، با قیمت تضمینی حدود چهار میلیون ریال به ازای هر کیلوگرم (در سال‌های اخیر)، درآمدی بالغ بر ۱۶۰ میلیون ریال برای پرورش‌دهندگان به ارمغان می‌آورد اما این تنها آغاز ماجراست. تبدیل پيله به نخ ابریشم و سپس تولید محصولات نهایی مانند پارچه، فرش و پوشاک، ارزش افزوده‌ای چند برابری ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، هر کیلوگرم نخ ابریشم در بازارهای جهانی قیمتی بین ۵۰ تا ۱۰۰ دلار دارد، که نشان‌دهنده پتانسیل صادراتی عظیم این محصول است. در حال حاضر، ایران سالانه حدود ۷۰۰ تن ابریشم وارد می‌کند، در حالی که تولید داخلی تنها ۲۰۰ تا ۲۵۰ تن است. این شکاف بزرگ، فرصتی طلایی برای گلستان فراهم می‌کند تا با افزایش تولید، نه‌تنها نیاز داخلی را تأمین کند، بلکه به بازارهای صادراتی نیز ورود کند. کشورهای مانند

کنجی در دل طبیعت در جنگل‌های انبوه و دشت‌های سرسبز استان گلستان نهفته است که نه از دل سنگ‌ها و معادن، بلکه از شاخه‌های درختان توت و پيله‌های ظریف کرم ابریشم سر برمی‌آورد. به گزارش ایرنا، نوغانداری در این خطه تنها یک حرفه یا شغل ساده نیست؛ بلکه یک هنر باستانی، یک میراث زنده و پویا و بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت فرهنگی و اقتصادی مردمان شمال ایران است. ابریشم، که به حق «طلای نرم» طبیعت لقب گرفته، قرن‌هاست با نخ‌های ظریف و درخشان خود، زندگی روستاییان این منطقه را به زیبایی بافته و معیشت آن‌ها را رونق بخشیده است. امروزه این صنعت کهن در دستان پرتلاش نوغانداران گلستانی، به فرصتی طلایی برای جهش اقتصادی و تقویت صادرات تبدیل شده اما چه رازی در پس این طلای نرم نهفته است؟ چرا کارشناسان و سیاست‌گذاران باور دارند که گلستان می‌تواند با احیای هدفمند نوغانداری، نقشه‌ای نوین از ثروت و توسعه را در شمال ایران ترسیم کند؟ در این گزارش، به دل مزارع توت، تلاش بی‌وقفه کشاورزان و سیاست‌های نوآورانه جهاد کشاورزی سفر می‌کنیم تا پاسخ این پرسش‌ها را بیابیم.

ابریشم، میراثی کهن با ارزشی مدرن

نوغانداری با پرورش کرم ابریشم، هنری است که قدمتی بیش از چهار هزار و ۵۰۰ سال در جهان دارد و ایران نیز از دیرباز یکی از بازیگران اصلی این عرصه بوده است. گلستان، با آب‌وهوای معتدل، خاک حاصلخیز و دسترسی به توتستان‌های طبیعی، از گذشته‌های دور به‌عنوان یکی از قطب‌های تولید ابریشم در ایران شناخته می‌شده است. در دوران صفویه و قاجار، ابریشم گیلان و گلستان نه‌تنها در بازارهای داخلی، بلکه در جاده ابریشم و تجارت جهانی نیز شهره بود اما با گذر زمان و فراز و نشیب‌های تاریخی، این صنعت کهن در مقاطعی به حاشیه رانده شد حالا، در قرن بیست‌ویکم، نوغانداری بار دیگر در حال بازتعریف جایگاه خود است؛ نه فقط به‌عنوان یک سنت، بلکه به‌عنوان یک فرصت اقتصادی مدرن که می‌تواند چرخ‌های توسعه پایدار را در گلستان به حرکت درآورد. ابریشم گلستان، که به دلیل کیفیت بالای پيله‌های تر و نخ‌های تولیدشده از آن شهرت دارد، امروز به‌عنوان محصولی استراتژیک در زنجیره ارزش صنایع نساجی، مد و حتی پزشکی مورد توجه قرار گرفته است. این طلای نرم نه‌تنها نماد زیبایی و ظرافت است، بلکه با ارزش افزوده بالا، قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را داراست اما آنچه این صنعت را در گلستان متمایز می‌کند، تنها محصول نهایی نیست؛ بلکه پتانسیل عظیم انسانی، طبیعی و اقتصادی این منطقه است که در صورت بهره‌برداری هوشمندانه، می‌تواند به یک جهش بزرگ منجر شود.

گلستان؛ بهشت نوغانداران

چرا گلستان؟ پاسخ در جغرافیای بی‌ظنیر و ظرفیت‌های بومی این استان نهفته است. گلستان با دارا بودن بیش از ۶۰ هزار هکتار توتستان طبیعی و مصنوعی، یکی از بزرگ‌ترین ذخیره‌گاه‌های برگ توت -غذای اصلی کرم ابریشم- در ایران محسوب می‌شود. آب‌وهوای مرطوب و معتدل این منطقه، شرایطی ایده‌آل برای پرورش کرم ابریشم فراهم کرده است. به گفته کارشناسان، گلستان در حال حاضر رتبه سوم تولید پيله تر ابریشم در کشور